

پیش بینی تعهد زناشویی بر اساس الگوهای ارتباطی و جو عاطفی خانواده مبدأ با میانجی‌گری بلوغ عاطفی

Predicting marital commitment based on communication patterns and family's emotional atmosphere of the family of origin with the mediation of emotional maturity

Iman Mesbah*

Ph.D Student of counseling, Department Of counseling, Faculty Of Education And Psychology, University Of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran.

imanmesbah13@gmail.com

Dr. Esmail Sadri Damirchi

Associate Professor, Department Of counseling, Faculty Of Education And Psychology, University Of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran.

ایمان مصباح (نویسنده مسئول)

دانشجوی دکترای مشاوره، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان-شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

دکتر اسماعیل صدری دمیرچی

دانشیار گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان-شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

Abstract

The present research aimed to predict marital commitment based on the communication patterns and emotional atmosphere of the family of origin with the mediation of emotional maturity. The research method was descriptive correlation. The statistical population of this research was made up of married men and women in Tehran in 1401. The number of sample people was 339 who were selected by available sampling method. The instruments used were Adams and Jones' (1997) marital commitment questionnaires (DCI), Singh and Behar Bhargava's (1990) emotional maturity (EMS), Koerner and Fitzpatrick's (2004) family communication patterns (RFCP), and Heilburn's (1964) family emotional atmosphere (FEAQ). Data analysis was done by the structural equation method. The findings showed that the tested model is a good fit. The direct effect of conversational communication patterns, conformity ($P<0.05$), and emotional atmosphere of the family of origin ($P<0.001$) was significant on marital commitment. Also, in the relationship between the conformity communication pattern and the emotional atmosphere of the family of origin with marital commitment, emotional maturity had a mediating role at significance levels of 0.001, respectively. Therefore, according to the significant relationship between communication patterns and the emotional atmosphere of the family with marital commitment, as well as the role of mediator and influencer of emotional maturity, family therapists and counselors can improve the communication patterns of families and so on. To improve the emotional atmosphere of the families of origin, move in the direction of increasing the emotional maturity level of the children.

Keywords: Communication patterns, Emotional maturity, Marital commitment, Family's Emotional Atmosphere .

چکیده

هدف پژوهش حاضر پیش‌بینی تعهد زناشویی بر اساس الگوهای ارتباطی و جو عاطفی خانواده مبدأ با میانجی‌گری بلوغ عاطفی بود. روش پژوهش توصیفی-همبستگی بود. جامعه آماری این پژوهش را زنان و مردان متأهل شهر تهران در سال ۱۴۰۱ تشکیل دادند. تعداد افراد نمونه ۳۳۹ نفر بودند که به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزارهای مورد استفاده، پرسشنامه‌های تعهد زناشویی (DCI) آدامز و جونز (۱۹۹۷)، بلوغ عاطفی (EMS) سینگ و بهارگاوا (۱۹۹۰)، الگوهای ارتباطی خانواده (RFCP) کوئرر و فیتزپاتریک (۲۰۰۴) و جو عاطفی خانواده (FEAQ) هیل برن (۱۹۶۴) بود. تجزیه و تحلیل داده‌ها به روش معادلات ساختاری انجام گرفت. یافته‌ها نشان داد که مدل آزمون شده از برازش مطلوبی برخوردار است. اثر مستقیم الگوی ارتباطی گفت‌و شنود، هم‌نوایی ($P<0.05$) و جو عاطفی خانواده مبدأ ($P<0.001$) بر تعهد زناشویی معنی‌دار بود. همچنین در رابطه‌ی بین الگوی ارتباطی هم‌نوایی و جو عاطفی خانواده مبدأ با تعهد زناشویی، بلوغ عاطفی نقش میانجی را به ترتیب در سطوح معنادری ۰/۰۰۱ داشت. بنابراین، با توجه به رابطه معنی‌دار الگوهای ارتباطی و جو عاطفی خانواده با تعهد زناشویی و همین‌طور نقش میانجی و اثرگذار بلوغ عاطفی، درمانگران و مشاوران می‌توانند در مسیر بهبود الگوهای ارتباطی خانواده‌ها و همین‌طور اصلاح جو عاطفی خانواده‌های مبدأ در راستای افزایش سطح بلوغ عاطفی مناسب فرزندان حرکت کنند.

واژه‌های کلیدی: الگوهای ارتباطی، بلوغ عاطفی، تعهد زناشویی، جو عاطفی خانواده.

مقدمه

ازدواج و تشکیل خانواده یکی از مراحل حساس زندگی است (رابر^۱ و همکاران، ۲۰۲۰؛ باستیس^۲ و همکاران، ۲۰۱۸) و به عنوان اولین تعهد عاطفی و پیوند قانونی بین یک زن و مرد شناخته می شود (کوهن و استرانگ^۳، ۲۰۲۰؛ امان^۴ و همکاران، ۲۰۲۱). این پیوند سه رکن اساسی را در برمی گیرد: جذابیت، تعهد و تفاهم (جان^۵ و همکاران، ۲۰۱۷). در این میان تعهد زناشویی^۶ به عنوان دومین عامل مهم، نقش ثبات و حفظ زندگی زناشویی را بر عهده دارد؛ به طوری که اگر یکی از زوجین تعهد زناشویی را نقض کند، احتمال طلاق و جدایی افزایش می یابد (هو^۷ و همکاران، ۲۰۱۹؛ حلاجیان و همکاران، ۱۴۰۱). تعهد زناشویی به ارتباط و وابستگی روانی به شریک زندگی و توافقی دوطرفه از جانب هر دو برای حفظ، تقویت و همبستگی ازدواج از نظر فکری، اخلاقی و رفتاری اشاره دارد (لیوئی^۸، ۲۰۲۳؛ فاجس^۹ و همکاران، ۲۰۲۱). تعهد زناشویی قوی ترین و پایدارترین عامل پیش بینی کننده ی ثبات رابطه زناشویی است که مسئولیت، وفاداری و وظیفه را شامل می شود (کردی و همکاران، ۱۳۹۶). افراد متعهد به زندگی زناشویی، به طور کلی برای همسر خود و ازدواجشان ارزش قائل هستند و در راستای صمیمیت و رضایت مندی زناشویی گام برمی دارند (کلاید و همکاران، ۲۰۲۰). نتایج پژوهش ها نشان می دهد که هر چه سطوح تعهد زناشویی پایین تر باشد مشکلات و تعارضات زوجین نیز بیشتر می شود (تقی یار، ۱۳۹۷). از طرفی دیویس و لیندسی^{۱۰} (۲۰۰۴) اظهار داشتند که یکی از عواملی که می تواند بر روی زندگی زناشویی زوجین و تعاملات آن ها تأثیرگذار باشد، تجارب فرد در محیط خانواده مبدأ است. منظور از خانواده مبدأ، تجارب فرد با والدین یا مراقب او در دوران کودکی است که اساس روابط میان فردی او را در دوران بزرگسالی بنیان می نهد (فالکی^{۱۱} و همکاران، ۲۰۰۸).

دو مؤلفه مهم خانواده مبدأ، الگوهای ارتباطی و جو عاطفی خانواده^{۱۲}، از نظر تأثیری که بر زندگی کنونی زوجین دارند حائز اهمیت هستند (شاهمرادی و همکاران، ۱۴۰۰). مفهوم الگوهای ارتباطی خانواده^{۱۳}، بیش از این که یک خصیصه ی شخصیتی باشد، حاصل تعاملات خانوادگی است (تقوایی یزدی، ۱۴۰۱). کوثرنر و فیتزپاتریک^{۱۴} (۲۰۰۲) معتقدند که الگوی ارتباطی خانواده شامل دو بعد گفت و شنود و همنوایی است که از ترکیب این ابعاد چهار سبک کثرت گرا، حمایت کننده، توافق کننده و واگذارنده ایجاد می شود، در بعد گفت و شنود، فرزندان تشویق می شوند تا در مورد مسائل مختلف فکر کنند و به بحث بپردازند؛ در حالی که در بعد همنوایی، اعضا به هماهنگی بین خود و اجتناب از تعارض ها و مجادله ها می پردازند. وقتی افراد نمره بالایی در گفت و شنود و نمره پایینی در همنوایی کسب می کنند، سبک به وجود آمده در خانواده؛ کثرت گراست، و وقتی نمره بالایی در همنوایی و نمره پایینی در گفت و شنود به دست می آید، خانواده دارای سبک حمایت کننده است. مدل سوم، خانواده های توافق کننده هستند که در هر دو الگوی ارتباطی نمره بالایی کسب می کنند. مدل چهارم، خانواده های به حال خود واگذارنده اند که نمره به دست آمده از هر دو بعد گفت و شنود و همنوایی در آن ها پایین است (نیل^{۱۵}، ۲۰۲۰) به نقل از رضی و اسدی مجره، ۱۴۰۰؛ کوثرنر و فیتزپاتریک، ۲۰۰۲). برخی پژوهش ها، نقش الگوهای ارتباطی را در سازگاری و شادکامی (جعفری صحرا رودی، ۱۳۹۹)، تمایز یافتگی خود (صالحی و همکاران ۲۰۲۰) و پیش بینی طلاق عاطفی (نریمانی و همکاران، ۱۴۰۰) نشان می دهند. رشیدی و همکاران (۱۳۹۵)؛ مجتهدی و عاشوری (۱۳۹۴)؛ شهرکی ثانوی و همکاران (۲۰۱۱) و عسگری و همکاران (۱۳۹۴) بین الگوی ارتباطی گفت و شنود و کیفیت زندگی رابطه مثبت معنادار و بین الگوی ارتباطی همنوایی و کیفیت زندگی رابطه منفی و معنادار یافتند.

1. Roper
2. Bastais
3. Cohen & Strong
4. Aman
5. John
6. moral commitment
7. Hou
8. Lioe
9. Fuchs
10. Davies & Lindsay
11. Falcke
12. emotional atmosphere of the family of origin
13. family communication pattern
14. Fitzpatrick & Koerner
15. Nill

دیگر مؤلفه مهم محیط خانوادگی یعنی جو عاطفی خانواده، به مجموع روابط و تعاملات عاطفی میان اعضای یک خانواده مانند بیان احساسات و علائق، نحوه‌ی ارتباط و طرز برخورد افراد با یکدیگر گفته می‌شود (رضی و اسدی مجره، ۱۴۰۱؛ ربلین و اوچینو^۱، ۲۰۰۸). در همین راستا لازم است که خانواده محیط سالم و آرامی برای فرزندان به وجود آورد تا آن‌ها چگونگی نحوه‌ی برخورد با مسائل و مشکلات اجتماعی را یاد بگیرند و بتوانند از راه معقول به حل آن‌ها بپردازند (زارعی و معصومی، ۱۳۹۶). نتایج پژوهش‌های ماسکارین^۲ و همکاران (۲۰۱۳) و سولومون و جکسون^۳ (۲۰۱۴) نشان داد که تجارب مثبتی که فرد از خانواده مبدأ دارد می‌تواند زمینه‌ساز موفقیت ازدواج و رابطه او با همسرش باشد و از طرفی هر چه دلبستگی ایمن از طریق ارتباط سالم بین خانواده مبدأ و فرد شکل گرفته باشد، می‌تواند تعهد زندگی زناشویی را به دنبال داشته باشد (رسایی و عروتنی موفق، ۱۴۰۰). آشته و کرمی (۱۳۹۷) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که جو خانوادگی توانایی پیش‌بینی نگرش به ازدواج را دارد و کرمی^۴ (۲۰۰۶) نیز اظهار داشت محیط خانوادگی مبدأ در تمایل و نگرش به ازدواج و زندگی خانوادگی فرزندان مؤثر است و علاوه بر این، تأثیر بسزایی بر سطح تمایز یافتگی که نظریه بین نسلی آن را معادل بلوغ عاطفی^۵ می‌داند، می‌گذارد (بوئن، ۱۹۸۷).

بلوغ عاطفی توانایی افراد برای مدیریت عواطف خود و همچنین ارزیابی حالت‌های عاطفی دیگران در روابط بین فردی، به‌منظور اتخاذ تصمیمات و اقدامات مناسب است (نگی^۶ و همکاران، ۲۰۲۲؛ رافیدالی^۷، ۲۰۱۷). فردی با بلوغ عاطفی بالا، به حدی از پختگی احساسی می‌رسد که می‌تواند برای مشکلات عاطفی خود راه‌حل منطقی پیدا کند و احساساتش را تحت کنترل دریاورد (بهناز قاسمی ورنیاب و همکاران، ۲۰۲۰). زوج درمانگران ریشه‌ی بسیاری از مشکلات زناشویی را با عدم بلوغ عاطفی مرتبط می‌دانند (جعفری^۸ و همکاران، ۲۰۱۹) و بر این باورند که یکی از عوامل مهم برای ایجاد تعهد زناشویی، رشد بلوغ عاطفی زوجین است (رابرسون^۹ و همکاران، ۲۰۲۰). پژوهش‌ها نشان می‌دهد که بلوغ عاطفی در پیش‌بینی گرایش به طلاق عاطفی (ابراهیمی، حیدری، ۱۳۹۷) و خیانت زناشویی (بذرگر و هنرپروران، ۱۳۹۸) نقش دارد و از طرفی نقشی غیرمستقیم در افزایش تعهد زناشویی (قاسمی ورنیاب، ۲۰۲۰) ایفا می‌کند.

از آنجایی که تعهد زناشویی در فرهنگ و جامعه ما ارزش والایی دارد و حساسیت‌های زیاد نسبت به آن وجود دارد و از طرفی طبق آنچه گفته شد به‌عنوان یکی از عوامل اساسی ثبات و کیفیت زندگی زناشویی شناخته می‌شود. پس بررسی متغیرهایی که بتوانند بر این ارزش تأثیرگذار باشند، حائز اهمیت است. امروزه نیز با توجه به نقش مهمی که مؤلفه‌های محیط خانواده مبدأ در شکل‌گیری نحوه‌ی زندگی فرزندان و کیفیت آن دارد (باکستر^{۱۰} و همکاران، ۲۰۰۵). برخی پژوهش‌ها ارتباط‌های جداگانه‌ی متغیرهای جو عاطفی خانواده و همین‌طور الگوهای ارتباطی را با مؤلفه‌های کیفیت و ثبات زناشویی به‌طور مستقیم و تعهد زناشویی به‌طور غیرمستقیم موردبررسی قرار داده‌اند. اما هیچ پژوهشگری در کشور، ارتباط الگوهای ارتباطی و جو عاطفی خانواده مبدأ را چه به‌صورت مستقیم و چه به‌طور غیرمستقیم با نقش میانجی‌گری بلوغ عاطفی به‌طور کامل و جامع در قالب یک مدل موردبررسی قرار نداده است. از این‌رو نتایج این پژوهش می‌تواند اثر مستقیم الگوهای ارتباطی و جو عاطفی خانواده مبدأ و همین‌طور اثر غیرمستقیم این متغیرها با میانجی‌گری بلوغ عاطفی را بررسی کرده و ارتباط آن‌ها را به‌گونه‌ای جدید نشان دهد. لذا، پژوهش حاضر با در نظر گرفتن اهمیت نقش خانواده مبدأ، همراه با الگوهای ارتباطی و جو عاطفی حاکم بر آن و تأثیر مهمی که بلوغ عاطفی بر ازدواج و میزان پایداری به آن دارد (شاهمرادی و همکاران، ۱۴۰۰)، به ارزیابی مدل ساختاری برای پیش‌بینی تعهد زناشویی بر اساس الگوهای ارتباطی خانواده و جو عاطفی با نقش میانجی‌گری بلوغ عاطفی پرداخته است.

1. Reblin & Uchino

2. Maskarin

3. Solomon. & Jackson.

4. Carey

5. emotional maturity

6. Negi

7. Rafeedali

8. Juhari

9. Roberson

10. Baxter

روش

پژوهش حاضر توصیفی - همبستگی از نوع مدل یابی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری این پژوهش کلیه زنان و مردان متأهل شهر تهران در سال ۱۴۰۱ بودند که از بین آن ها ۳۵۰ نفر به دلیل نامحدود بودن جامعه آماری و عدم دسترسی به فهرست تمام اعضای جامعه به پیشنهاد گاروز و منتزر^۱ (۱۹۹۹)، با استفاده از روش نمونه گیری در دسترس، به عنوان حجم نمونه انتخاب شد که در نهایت با بررسی و جمع بندی پرسشنامه های تکمیل شده توسط شرکت کنندگان، اطلاعات کسب شده از ۳۳۹ نفر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. ملاک های ورود شامل رضایت آگاهانه برای شرکت در پژوهش، تأهل و ازدواج قانونی شرکت کنندگان، عدم سابقه طلاق یا ازدواج مجدد، عدم سابقه ابتلا به اختلالات روان پزشکی و بیماری جسمی حاد و عدم اعتیاد (طبق فرم خود اظهاری شرکت کنندگان) بود. همچنین ملاک های خروج از پژوهش شامل عدم پاسخگویی به سؤالات پرسشنامه در زمان تعیین شده و ارسال دیر پاسخنامه توسط شرکت کنندگان بود. روش اجرای پژوهش بدین صورت بود که پرسشنامه های پژوهش به صورت منظم و با ترتیب معین در محیط گوگل فرم تعریف شدند و از طریق فضای مجازی (برنامه های اینستاگرام، واتس اپ و تلگرام) در اختیار شرکت کنندگان قرار داده شد. ضمن تشریح چگونگی انجام پژوهش قبل از پاسخ دهی به سؤالات پرسشنامه، به شرکت کنندگان این اطمینان داده شد که اطلاعات دریافت شده به صورت کاملاً محرمانه و بدون دریافت و در نظر گرفتن مشخصات شناسنامه ای افراد خواهد. همین طور، همراه با سؤالات، فرم رضایت نامه نیز در فضای گوگل فرم گنجانده شده بود تا شرکت کننده با رضایت کامل در فرایند پژوهش شرکت کنند. در نهایت پس از دریافت پاسخنامه های پژوهش، داده های پژوهش حاضر با روش آماری مدل یابی معادلات ساختاری و با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۶ و AMOS نسخه ۲۴ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

ابزار سنجش

سیاهه تعهد زناشویی^۲ (DCI): سیاهه تعهد زناشویی توسط آدامز و جونز (۱۹۹۷) تهیه شده و دارای ۴۴ سؤال است و سه بعد تعهد زناشویی را اندازه گیری می کند. این ابعاد عبارتند از: تعهد شخصی: تعهد نسبت به همسر (سؤالات ۱۰-۱)، تعهد اخلاقی: تعهد نسبت به ازدواج (سؤالات ۲۲-۱۱)، تعهد ساختاری: تعهد نسبت به همسر و ازدواج که مبتنی بر احساس اجبار و تداوم ازدواج یا ترس از پیامدهای طلاق است (سؤالات ۴۴-۲۳). هر سؤال آزمون، دارای یک مقیاس ۵ درجه ای: کاملاً مخالفم، مخالفم، نظری ندارم، موافقم و کاملاً موافقم است که به گزینه کاملاً موافقم نمره ۵ و به گزینه کاملاً مخالفم نمره ۱ داده می شود. دامنه کلی نمرات از ۱ تا ۱۷۲ است و نمره بالاتر در این آزمون، بالا بودن تعهد کلی زوجین را نشان می دهد. آدامز و جونز (۱۹۹۷) در شش پژوهش گوناگون به منظور به دست آوردن پایایی این سیاهه، آن را بر روی ۴۱۷ نفر متأهل، ۳۴۷ نفر مجرد و ۴۶ نفر مطلقه اجرا کردند در این مطالعات پایایی باز آزمایی هر یک از مقیاس های این آزمون را بر روی نمونه مذکور به این شرح به دست آوردند: تعهد شخصی ۰/۹۱، تعهد اخلاقی ۰/۸۹ و تعهد ساختاری ۰/۸۶. در پژوهش محمدی و همکاران (۱۳۹۳) نیز آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس های تعهد شخصی ۰/۶۶، تعهد اخلاقی ۰/۷۶، تعهد ساختاری ۰/۷۸ و برای کل سیاهه ۰/۸۷ به دست آمد. روایی محتوایی در فرم ایرانی نیز با ضریب کاپا ۰/۹۰ گزارش شد (حسین زاده و همکاران، ۱۴۰۰). در پژوهش حاضر نیز ضریب آلفای کرونباخ برای بررسی پایایی کلی سیاهه تعهد زناشویی ۰/۹۱ به دست آمد.

سیاهه بلوغ عاطفی^۳ (EMS): این سیاهه توسط سینگ و بهارگاوا^۴ (۱۹۹۰) به نقل از سهراب زاده و حکیم جوادی، (۲۰۲۱) تدوین شده و شامل ۴۸ سؤال و مشتمل بر ۵ زیرمقیاس می شود که عبارتند از: عدم ثبات عاطفی، بازگشت عاطفی، ناسازگاری اجتماعی، فروپاشی شخصیت و فقدان استقلال. طیف پاسخ دهی آن بر اساس لیکرت تنظیم شده است. مقیاس اندازه گیری این ابزار از هرگز تا خیلی زیاد تغییر می کند. یاشویر سینگ و ماهیش بهارگاوا (۱۹۹۰) آلفای کرونباخ را برای زیرمقیاس های این سیاهه یعنی ثبات عاطفی، بازگشت عاطفی، ناسازگاری اجتماعی، فروپاشی شخصیت و فقدان استقلال به ترتیب ۰/۷۵، ۰/۶۳، ۰/۵۸، ۰/۸۶ و ۰/۴۲ به دست آورد. روایی سازه این مقیاس نیز ۰/۸۵ گزارش شده است (سینگ و بهارگاوا، ۱۹۹۰). روایی محتوایی این ابزار در نمونه ایرانی ۰/۶۴ و پایایی آن به روش آلفای کرونباخ ۰/۹۱ به دست آمد (جعفری هرندی و رجایی موسوی، ۱۳۹۸). در پژوهش حاضر، ضریب آلفای کرونباخ برای بررسی پایایی کلی پرسشنامه بلوغ عاطفی ۰/۹۳ به دست آمد.

1. Garver & Mentzer
 2. Dimensions of Commitment Inventory
 3. Emotional Maturity Scale
 4. Singh & Bhargava

پرسشنامه تجدیدنظر شده الگوهای ارتباطی خانواده^۱ (RFCP): این پرسشنامه در سال ۲۰۰۴ توسط کوثرنر و فیتزپاتریک ساخته شده و دارای ۲۶ آیتم پنج گزینه‌ای از کاملاً موافقم (نمره پنج) تا کاملاً مخالفم (نمره یک)، درزمینه‌ی ارتباطات خانوادگی است. این ابزار جهت‌گیری گفت‌و شنود و جهت‌گیری هم‌نوایی خانواده را که به ترتیب ۱۵ گزاره اول و ۱۱ گزاره بعدی را تشکیل می‌دهند موردسنجش قرار می‌دهد. کوثرنر و فیتزپاتریک (۲۰۰۴) ضریب آلفای کرونباخ مقیاس را ۰/۸۹ برای بعد گفت‌و شنود و ۰/۷۹ را برای بعد هم‌نوایی گزارش کرد. همچنین کوثرنر و فیتزپاتریک (۲۰۰۴) این پرسشنامه را دارای روایی مطلوب از هر سه دیدگاه محتوایی، ملاکی و سازه می‌دانند. در نسخه‌ی فارسی مقیاس، روایی ملاکی در بعد گفت‌و شنود ۰/۷۴ و بعد هم‌نوایی ۰/۴۹ به دست آمد و ضریب آلفای کرونباخ برای جهت‌گیری گفت‌و شنود و هم‌نوایی به ترتیب ۰/۸۷ و ۰/۸۱ گزارش شده است (کوروش نیا و لطیفیان، ۱۳۸۶). در پژوهش حاضر، آلفای کرونباخ برای بررسی پایایی کلی پرسشنامه الگوهای ارتباطی خانواده مبدأ ۰/۷۴ و برای ابعاد گفت‌و شنود و هم‌نوایی به ترتیب ۰/۸۵ و ۰/۸۴ به دست آمد.

پرسشنامه جو عاطفی خانواده^۲ (FEAQ): این پرسشنامه توسط آلفرد بی هیل برن (۱۹۶۴؛ به نقل از حقیقی و همکاران، ۱۳۸۱) به‌منظور سنجش میزان مهرورزی در تعاملات پدر و مادر- فرزندی ساخته شد. این مقیاس دارای ۱۶ گویه و ۸ خرده مقیاس: محبت، نوازش، تأیید کردن، تجربه‌های مشترک، هدیه دادن، تشویق کردن، اعتماد کردن و احساس امنیت است. کل مقیاس شامل شانزده پرسش و هر خرده مقیاس دربرگیرنده‌ی دو پرسش است. برای هر پرسش نیز یک طیف پنج‌گانه پاسخ‌دهی وجود دارد، نخستین پاسخ نشان دهنده ضعیف‌ترین و آخرین پاسخ نشان دهنده نیرومندترین رابطه عاطفی است که از زمان گذشته تا حال بین پدر و مادر و فرزند وجود داشته است. در این پرسشنامه سؤال‌های پنج گزینه‌ای در مقیاس لیکرت (خیلی کم=۱ تا خیلی زیاد=۵) نمره‌گذاری می‌شود. برای تعیین روایی هم‌زمان مقیاس فوق از پرسشنامه ملاکی جو عاطفی خانواده (AFC) استفاده شد که ضریب روایی پرسشنامه ۰/۶۷ به دست آمد، همین‌طور در همین پژوهش همبستگی درونی این مقیاس به روش آلفای کرونباخ ۰/۹۲ به دست آمد (شاهمرادی و همکاران، ۱۴۰۰). در پژوهش حاضر، ضریب آلفای کرونباخ برای بررسی پایایی کلی پرسشنامه جو عاطفی خانواده مبدأ ۰/۹۴ به دست آمد.

یافته ها

نمونه مورد مطالعه شامل ۳۳۹ نفر، که از این تعداد ۱۹۴ نفر زن و ۱۴۵ نفر مرد بودند. از نظر سنی، ۱۰/۹ درصد آن‌ها زیر ۲۵ سال، ۵۱/۳ درصد در بازه سنی ۲۵ تا ۳۰ سال، ۲۴/۸ درصد آن‌ها در بازه سنی بین ۳۱ تا ۳۵ و ۱۳ درصد آن‌ها بین ۳۶ تا ۴۰ سال بودند. میانگین و انحراف معیار سن شرکت‌کنندگان به ترتیب ۲۸/۶ و ۸/۱ بود. از نظر تحصیلات ۱۷/۷ درصد شرکت‌کنندگان دیپلم و پایین‌تر، ۷/۱ درصد فوق دیپلم، ۵۱/۶ درصد افراد نمونه دارای مدرک تحصیلی کارشناسی، ۱۹/۲ درصد از آن‌ها کارشناسی ارشد و ۴/۴ درصد، دارای مدرک دکتری بودند. از نظر سن ازدواج، ۲۲/۷ درصد افراد زیر ۲ سال، ۲۵/۱ درصد بین ۲ تا ۵ سال، ۳۵/۱ درصد بین ۶ تا ۱۰ سال و ۱۷/۱ درصد از شرکت‌کننده‌ها بیش از ۱۰ سال است که ازدواج کرده‌اند. ۵۰/۱ درصد شرکت‌کنندگان فاقد فرزند و ۴۹/۹ درصد آن‌ها دارای یک یا دو فرزند بودند.

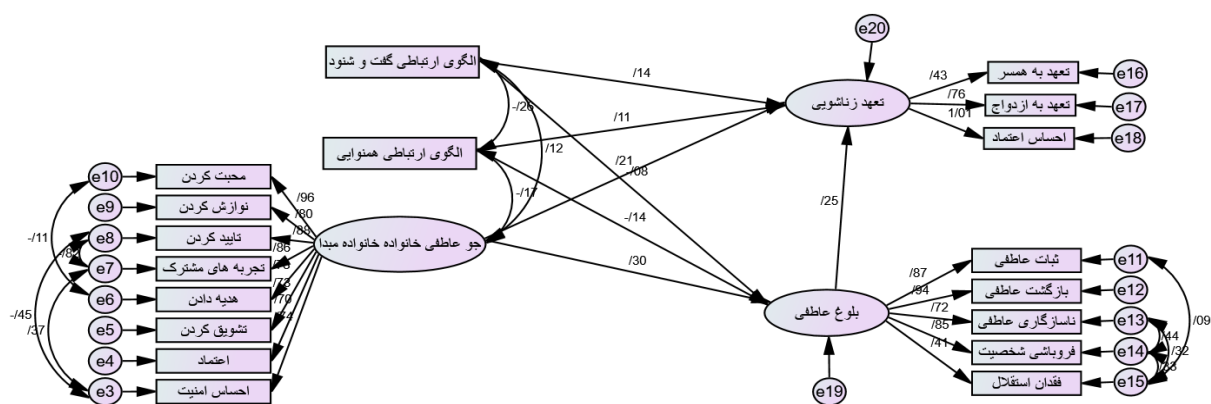
پیش بینی تعهد زناشویی بر اساس الگوهای ارتباطی و جو عاطفی خانواده مبدأ با میانجی گری بلوغ عاطفی
predicting marital commitment based on communication patterns and emotional atmosphere of the family of origin with ...

جدول ۱. نتایج شاخص‌های توصیفی و آزمون همبستگی پیرسون جهت بررسی رابطه متغیرها

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵
۱. جو عاطفی خانواده مبدأ	۱				
۲. الگوی ارتباطی همنوایی	-۰/۲۱۶**	۱			
۳. الگوی ارتباطی گفت‌وشنود	-۰/۱۲۵*	-۰/۲۵۹**	۱		
۴. بلوغ عاطفی	۰/۳۷۳**	-۰/۱۹۶**	-۰/۰۷۰*	۱	
۵. تعهد زناشویی	۰/۲۵۱**	-۰/۰۴۴*	۰/۱۵۹**	۰/۳۱۰**	۱
میانگین	۴۹/۵۷	۱۸/۸۵	۵۹/۸۹	۱۸۶/۷۶	۱۸۱/۶۱
انحراف معیار	۱۲/۷۵	۴/۶۱	۶/۱۱	۲۵/۹۷	۱۳/۰۴
کجی	-۰/۲۲۳	۰/۲۲۸	۰/۳۹۶	-۰/۶۴۲	-۰/۱۴۶
کشیدگی	-۰/۷۸۲	-۰/۴۰۷	-۰/۳۹۴	-۰/۴۸۹	-۰/۴۸۹

نتایج به‌دست‌آمده از آزمون همبستگی پیرسون در جدول ۱ نشان می‌دهد جو عاطفی خانواده مبدأ با الگوی ارتباطی همنوایی و گفت‌وشنود به ترتیب در سطح ۰/۰۱ و ۰/۰۵ رابطه منفی و معنادار و با بلوغ عاطفی و تعهد زناشویی در سطح ۰/۰۱ رابطه مثبت و معنادار دارد. الگوی ارتباطی همنوایی با گفت‌وشنود و بلوغ عاطفی در سطح ۰/۰۱ رابطه منفی و معنادار و با تعهد زناشویی در سطح ۰/۰۵ رابطه منفی و معنادار دارد. الگوی ارتباطی گفت‌وشنود با بلوغ عاطفی در سطح ۰/۰۵ رابطه منفی و معنادار و با تعهد زناشویی در سطح ۰/۰۱ رابطه مثبت و معنادار دارد. بلوغ عاطفی با تعهد زناشویی در سطح ۰/۰۱ رابطه مثبت و معنادار دارد.

با توجه به این‌که شاخص‌های کجی و کشیدگی متغیرهای پژوهش همگی در محدوده +۱ تا -۱ قرار دارند، بنابراین شکل توزیع متغیرها در شرایط نرمالی قرار دارد. علاوه بر مقادیر گزارش‌شده در جدول ۱، مقادیر آماره تحمل برای متغیرها بیشتر ۰/۴۰ و همچنین مقادیر آماره VIF همگی کمتر از ۱۰ بود، بنابراین میزان هم خطی میان متغیرهای پیش‌بین پژوهش نگران‌کننده نبود. از طرفی مقدار به‌دست‌آمده برای آزمون دوربین واتسون برابر با ۱/۹۷ بود و بین مقدار مناسب ۱/۵ الی ۲/۵ قرار داشت. بنابراین می‌توان گفت که فرض استقلال مقادیر خطا از یکدیگر نیز رعایت شده است.



شکل ۱: مدل نهایی پژوهش

در شکل ۱ مدل ساختاری پژوهش به‌صورت بررسی پیش‌بینی تعهد زناشویی بر اساس الگوهای ارتباطی گفت‌وشنود و همنوایی با نقش میانجی بلوغ عاطفی در محیط نرم‌افزار AMOS به همراه ضرایب مسیر آن ارائه شده است. در این مدل متغیرهای الگوی ارتباطی گفت‌وشنود و همنوایی و همین‌طور جو عاطفی خانواده مبدأ نقش متغیر برون‌زا (مستقل) را دارند و متغیر بلوغ عاطفی نقش متغیر درون‌زا (وابسته) را دارد. متغیر تعهد زناشویی نیز در قالب یک متغیر مکنون تعریف شده که سه خرده مقیاس آن نقش آشکارکننده دارند. در جدول ۲ نتایج ضرایب اثرات مستقیم در الگوی ساختاری مورد مطالعه نشان داده شده است.

جدول ۲. نتایج ضرایب اثرات مستقیم در الگوی ساختاری مورد مطالعه

مسیر	B	Beta	SE	T	P
الگوی ارتباطی گفت و شنود $\leftarrow$ تعهد زناشویی	۰/۰۳۳	۰/۱۴۳	۰/۰۱۳	۲/۵۰۹	۰/۰۱۲
الگوی ارتباطی گفت و شنود $\leftarrow$ بلوغ عاطفی	-۰/۰۷۹	-۰/۰۷۶	۰/۰۵۸	-۱/۳۶۸	۰/۱۷۱
الگوی ارتباطی همنوایی $\leftarrow$ تعهد زناشویی	۰/۰۳۴	۰/۱۱۳	۰/۰۱۷	۲/۰۸۴	۰/۰۳۷
الگوی ارتباطی همنوایی $\leftarrow$ بلوغ عاطفی	-۰/۱۷۷	-۰/۱۴۱	۰/۰۷۷	-۲/۲۹۴	۰/۰۱۲
جو عاطفی خانواده مبدأ $\leftarrow$ تعهد زناشویی	۰/۱۹۵	۰/۲۱۴	۰/۰۵۶	۳/۴۵۰	۰/۰۰۱
جو عاطفی خانواده مبدأ $\leftarrow$ بلوغ عاطفی	۱/۲۲۳	۰/۲۹۷	۰/۲۳۸	۵/۱۳۸	۰/۰۱۲
بلوغ عاطفی $\leftarrow$ تعهد زناشویی	۰/۰۵۶	۰/۲۵۴	۰/۰۱۴	۳/۹۵۱	۰/۰۰۱

جدول ۲ نشان می‌دهد اثر مستقیم الگوی ارتباطی گفت و شنود بر تعهد زناشویی مثبت و معنی‌دار ($\beta=0/143, P < 0/05$) و اثر گفت و شنود بر بلوغ عاطفی معنی‌دار نیست ($\beta=0/076, P < 0/171$). ضریب اثر مستقیم الگوی ارتباطی همنوایی بر تعهد زناشویی مثبت و معنی‌دار ($\beta=0/113, P < 0/05$) و اثر مستقیم همنوایی بر بلوغ عاطفی منفی و معنی‌دار است ($\beta=-0/141, P < 0/012$). اثر مستقیم جو عاطفی خانواده مبدأ بر تعهد زناشویی ($\beta=0/214, P < 0/001$) و همین‌طور بر بلوغ عاطفی مثبت و معنی‌دار است ($P < 0/012$). $\beta=0/297$ ، و در نهایت ضریب اثر مستقیم بلوغ عاطفی بر تعهد زناشویی مثبت و معنی‌دار است ($\beta=0/254, P < 0/001$).

جدول ۳. نتایج حاصل از تحلیل میانجی به روش بوت استرپینگ

مسیر	B	Beta	P-value	Results
جو عاطفی خانواده مبدأ $\leftarrow$ بلوغ عاطفی $\leftarrow$ تعهد زناشویی	۰/۰۶۸	۰/۰۷۵	۰/۰۰۱	میانجی‌گری جزئی
الگوی ارتباطی همنوایی $\leftarrow$ بلوغ عاطفی $\leftarrow$ تعهد زناشویی	-۰/۰۱۱	-۰/۰۳۶	۰/۰۰۹	میانجی‌گری جزئی
الگوی ارتباطی گفت و شنود $\leftarrow$ بلوغ عاطفی $\leftarrow$ تعهد زناشویی	-۰/۰۰۴	-۰/۰۱۹	۰/۰۸۵	تأثیر مستقیم

با توجه به نتایج گزارش شده در جدول ۵ مسیر غیرمستقیم جو عاطفی خانواده مبدأ $\leftarrow$ بلوغ عاطفی $\leftarrow$ تعهد زناشویی با اندازه اثر استاندارد شده $0/075$ ($P = 0/001$) و الگوی ارتباطی همنوایی $\leftarrow$ بلوغ عاطفی $\leftarrow$ تعهد زناشویی با اندازه اثر استاندارد شده $-0/036$ ($P = 0/009$)، معنادار است، ولی رابطه غیرمستقیم الگوی ارتباطی گفت و شنود $\leftarrow$ بلوغ عاطفی $\leftarrow$ تعهد زناشویی با اندازه اثر استاندارد شده $-0/019$ ($P = 0/085$) معناداری را نشان نمی‌دهد. بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که بلوغ عاطفی تأثیر مثبت جو عاطفی خانواده مبدأ و الگوی ارتباطی همنوایی بر تعهد زناشویی را به صورت جزئی میانجی‌گری می‌کند. از طرف دیگر الگوی ارتباطی گفت و شنود تنها تأثیر مثبت مستقیم روی تعهد زناشویی دارد.

در جدول ۴ شاخص‌های برازش مدل اصلاح شده پژوهش ارائه شده است.

جدول ۴. شاخص‌های برازش مدل پژوهش

شاخص برازش	Chi-square/df	RMSEA	NFI	IFI	CFI	GFI
ملاک برازش	< ۵	< ۰/۱۰	> ۰/۹۰	> ۰/۹۰	> ۰/۹۰	> ۰/۹۰
آماره	۳/۶۰	۰/۰۸	۰/۹۰	۰/۹۲	۰/۹۲	۰/۹۱

برای برازندگی مدل هرگاه مقدار شاخص کای دو تقسیم‌بندی درجه آزادی کوچک‌تر از ۵ باشد، برازندگی مدل بهتر است. مقدار به‌دست‌آمده در پژوهش حاضر $3/60$ بود که حاکی از برازش تقریبی مدل بود. همچنین به‌طور کلی هر چه مقدار شاخص‌های NFI ، IFI و GFI به یک نزدیک‌تر باشد حاکی از برازش مطلوب مدل است. با توجه به اینکه مقادیر به‌دست‌آمده برای چهار شاخص ذکر شده نزدیک یا برابر با $0/90$ بوده، بنابراین بر اساس مقادیر این شاخص‌ها، مدل پژوهش از برازش مطلوبی برخوردار است. برای شاخص $RAMSEA$ نیز مقدار $0/08$ بیانگر برازش مطلوب است که برای مدل پژوهش حاضر برابر $0/08$ بود.

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر باهدف ارزیابی مدل تعهد زناشویی و الگوهای ارتباطی گفت و شنود و همنوایی و جو عاطفی خانواده مبدأ با میانجی گری بلوغ عاطفی صورت گرفت. یافته اول پژوهش نشان داد که الگوی ارتباطی گفت و شنود خانواده مبدأ بر تعهد زناشویی اثر مستقیم دارد. این یافته با نتایج حاصل از پژوهش های مجتهدی و عاشوری (۱۳۹۴)؛ شهرکی ثانوی و همکاران (۱۳۹۰) و عسگری و همکاران (۱۳۹۴) همسو بود. در تبیین یافته فوق می توان چنین بیان کرد، الگوی ارتباطی گفت و شنود اشاره به شرایطی دارد که در آن خانواده ها، اعضا را به شرکت آزادانه و آسان در تعاملات و گفتگوها در زمینه های گوناگون تشویق می کنند. در این خانواده ها زمان زیادی جهت ارتباط متقابل و بحث درباره ی موضوعات مختلف صرف می شود. افراد خانواده، فعالیت های انفرادی، افکار و احساساتشان را با یکدیگر در میان می گذارند و در کنار یکدیگر و باهم تصمیم می گیرند (کوثرنر و ایس، ۲۰۰۲). بنابراین می توان از یافته فوق چنین استنباط کرد، در خانواده هایی که بر اساس الگوی ارتباطی گفت و شنود و تعامل و گفت و گوی باز رفتار می شود، فرزندان خانواده در بزرگسالی و پس از ازدواج، با همسر خود نیز افکار و احساساتشان را در میان می گذارند و نسبت به زندگی زناشویی خود پایبندی و تعهد نشان می دهند.

یکی دیگر از یافته های پژوهش حاضر اثر مستقیم و معنی دار الگوی ارتباطی همنوایی خانواده مبدأ بر تعهد زناشویی بود. این یافته با نتایج حاصل از پژوهش های مجتهدی و عاشوری (۱۳۹۴)؛ شهرکی ثانوی و همکاران (۲۰۱۱) و عسگری و همکاران (۱۳۹۴) ناهمسو بود. در تبیین یافته فوق می توان چنین بیان کرد، الگوی ارتباطی همنوایی به این معناست که روابط خانواده بر همسان بودن بازخوردها، ارزش ها، عقاید و همین طور بر هماهنگی، اجتناب از تعارض و کشمکش و ایجاد وابستگی و دلبستگی با یکدیگر تأکید می کند که منجر به روابط دوستانه و شادی در بین اعضای خانواده می گردد. اصولاً ارتباط در این خانواده ها منعکس کننده اطاعت از بزرگسالان و والدین است، اعتقاد به ساختار سنتی خانواده وجود دارد و اعضا نگاهی سلسله مراتبی به ساختار خانواده دارند. ارتباط و تعامل درون خانواده اهمیت بیشتری از ارتباط بیرون خانواده دارد، برنامه های فردی باید هماهنگ با اعضای خانواده باشد و منافع شخصی تابع خانواده است، والدین تا حدود زیادی برای خانواده تصمیم می گیرند و از اعضای دیگر انتظار می رود تا طبق خواسته های والدین عمل کنند (کوثرنر و فیتزپاتریک، ۲۰۰۲). طبق یافته حاصل از پژوهش حاضر می تواند چنین اظهار داشت؛ فرزندی که در خانواده هایی با الگوی ارتباطی همنوایی بزرگ می شوند، در تشکیل زندگی زناشویی در سنین بزرگسالی، موفقیت بیشتری کسب می کنند و از کیفیت و ثبات زندگی بیشتر با همسرشان برخوردارند. بنابراین، با توجه به رابطه ی معنادار و مثبت بین الگوهای ارتباطی خانواده مبدأ یعنی گفت و شنود و همنوایی با تعهد زناشویی و از آنجایی که کسب نمره بالا در هر دو بعد این الگوهای ارتباطی به معنی وجود سبک والدینی توافق کننده است. سبکی که در آن فرزندان اجازه دارند تا زمانی که هماهنگی درونی خانواده به خطر نیفتاده است به بیان عقاید خود بپردازند (ریچ و فیتزپاتریک، ۱۹۹۰؛ کرنر و فیتزپاتریک، ۲۰۰۲)، پس می توان از این یافته ها چنین نتیجه گرفت که سبک والدینی توافق کننده در خانواده ها، با پایبندی و تعهد به زندگی زناشویی در فرزندان رابطه مستقیم دارد.

یافته دیگر پژوهش حاضر تأثیر مستقیم و معنی دار جو عاطفی خانواده مبدأ بر تعهد زناشویی را نشان داد. این یافته با نتایج حاصل از پژوهش های ماسکارین و همکاران (۲۰۱۳)؛ سولومون و جکسون (۲۰۱۴)؛ رسایی و عروتنی موفق (۱۴۰۰)، آشته و کرمی (۱۳۹۷) و کری (۲۰۰۶) همسو بود. در تبیین یافته فوق می توان اظهار داشت که خانواده مبدأ و تعاملات والدین در نگرش فرزندان و موفقیت یا عدم موفقیت ازدواج آن ها تأثیر و نقش بسزایی دارد و بیش از پیش این واقعیت را گوشزد می کند که برای پایبندی در روابط زناشویی باید افراد را از سال ها قبل از ازدواج، یعنی از زمان زندگی در خانواده های مبدأ آن ها، آماده ساخت (شاهمرادی و همکاران، ۱۴۰۰). نقش والدین و سلامت خانواده در سازگاری زناشویی فرزندان بعد از ازدواج اثرگذار بوده و هراندازه که روابط سالمی در الگوهای ارتباطی خانواده مبدأ برقرار باشد و همین طور صمیمیت و تعاملات عاطفی بیشتری بین افراد خانواده باشد، فرزندان این خانواده ها از تعارضات زناشویی کم تر، رضایت زناشویی بیشتر و در نتیجه از تعهد و پایبندی بیشتری در زندگی شان برخوردار خواهند بود (احمدی، پناغی و صادقی، ۱۳۹۷؛ بلیاد، ناهیدپور، آزادی و یادگاری، ۱۳۹۳ و طاهری بخش، ۱۳۹۵). بنابراین طبق یافته پژوهش حاضر جو عاطفی خانواده مبدأ با ایجاد محیطی سالم که ارتباطات و تعاملات عاطفی میان یکایک اعضا را فراهم می سازد می تواند پیش بینی کننده ای مناسب برای تعهد زناشویی فرزندان

خانواده‌هایی باشد که از این چنین جوی برخوردار هستند، چراکه تجارب مثبت افراد در خانواده اصلی و همین‌طور سلامت خانواده مبدأ، در کیفیت و موفقیت زندگی زناشویی فرزندان اثر پایداری دارد (موروا و تورلیوک^۱، ۲۰۱۲؛ ویس^۲، ۲۰۱۴).

یکی دیگر از یافته‌های این پژوهش نشان داد که الگوی ارتباطی همنوایی با میانجی‌گری بلوغ عاطفی بر تعهد زناشویی تأثیر علی و غیرمستقیم دارد. این یافته با نتایج حاصل از پژوهش‌های نریمانی و همکاران (۱۳۹۷) و شاهمرادی و همکاران (۱۴۰۰) همسو بود. اما یافته دیگر پژوهش نشان داد که بلوغ عاطفی نقش میانجی‌گری را در رابطه الگوی ارتباطی گفت‌وگوشنود با تعهد زناشویی ایفا نکرد. این یافته با نتایج پژوهش‌های نریمانی و همکاران (۱۳۹۷) و شاهمرادی و همکاران (۱۴۰۰) ناهمسو بود. در تبیین یافته فوق می‌توان اظهار داشت، افراد ویژگی‌های مهمی چون مرز گذاری در روابط و الگوهای ارتباطی را از خانواده اصلی خویش می‌آموزند و سپس آموخته‌های آن‌ها زمینه‌ساز تعاملات بعدی‌شان در روابط میان فردی و به‌ویژه روابط زوجی با همسر می‌شود (گلدنبرگ و گلدنبرگ^۳، ۲۰۰۸). در روابط زناشویی هرگاه سطح بلوغ عاطفی هر دو زوج پایین باشد آمیزش عاطفی بیشتر می‌شود که این حالت منجر به کاهش کیفیت و سازگاری پایین در روابط زناشویی می‌شود (بوئن، ۱۹۷۸). بوئن (۱۹۷۸) معتقد است که هرچند سطح بلوغ عاطفی پایین‌تر باشد، زوجین خانواده‌های خود را بیشتر در مسائل زناشویی‌شان دخالت می‌دهند و همین امر باعث ایجاد مشکلاتی بین آن‌ها و روابطشان با خانواده‌ی همسر می‌شود. از طرف دیگر با افزایش سطح بلوغ عاطفی، وابستگی هر یک از زوجین به خانواده‌ی اصلی کمتر شده، و با کاهش دخالت‌های خانواده‌های هر دو طرف، می‌توان شاهد افزایش رضایت زناشویی و به‌تبع، تعهد و پایبندی زناشویی همسران شد (هاوس و مالیکنرود^۴، ۱۹۹۸؛ جلالی شاه کوه، مظاهری، کیامنش و احدی، ۲۰۱۷). بنابراین می‌توان از یافته فوق چنین استنباط کرد هر چه الگوی ارتباطی همنوایی با شدت بیشتری در خانواده مبدأ رخ دهد و بخواهد زمینه‌ساز ایجاد آمیزش بین اعضای خانواده و کاهش تمایز یافتگی شود، بلوغ عاطفی تعادل را برقرار کرده و با افزایش سطح تمایز یافتگی می‌توان زمینه‌ساز افزایش پایبندی و تعهد زناشویی در فرزندان خانواده شود.

یافته دیگر این پژوهش نشان داد که جو عاطفی خانواده مبدأ با میانجی‌گری بلوغ عاطفی بر تعهد زناشویی تأثیر علی و غیرمستقیم دارد. این یافته با نتایج حاصل از پژوهش‌های جعفری و همکاران (۲۰۱۹)؛ ابراهیمی و حیدری (۱۳۹۷) و رابرسون و همکاران (۲۰۲۰) همسو بود. در تبیین یافته فوق می‌توان اظهار کرد والدین به‌عنوان اصلی‌ترین الگوهای رفتاری فرزندان نشان می‌باشند که از طریق نحوه برخوردشان با مسائل عاطفی، بر واکنش فرزندان‌شان به مسائل مختلف واکنش نشان می‌دهند. بنابراین اگر والدین صادقانه در محیط خانواده به فرزندان‌شان محبت کنند و به آن‌ها حس اعتماد را تزریق نمایند. آن‌ها نیز دوست داشتن دیگران و مورد توجه بودن را یاد می‌گیرند که همین امر موضوع بلوغ عاطفی آن‌ها را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد (محبی نورالدین وند و همکاران، ۱۳۹۰). روان‌شناسان نیز اذعان دارند که خانواده مطلوب، احساس ارزشمندی، تعلق و مورد عشق و علاقه بودن را فراهم می‌کند و در چنین خانواده‌هایی مؤلفه‌های بلوغ عاطفی از جمله سازگاری و استقلال در فرزندان به‌بود می‌یابد (سراج خرمی و صفرزاده، ۱۳۹۱). می‌توان چنین گفت، رابطه‌ای مثبت و دوطرفه بین جو عاطفی خانواده مبدأ و بلوغ عاطفی وجود دارد که همین موضوع باعث می‌شود که بلوغ عاطفی بتواند نقشی متعادل‌کننده بر جو عاطفی حاکم بر خانواده مبدأ از طریق بالا بردن توانایی افراد برای مدیریت عواطف خود و همچنین ارزیابی حالت‌های عاطفی دیگران در روابط بین فردی داشته باشد و از این طریق عاملی زمینه‌ساز در افزایش تعهد زناشویی فرزندان آن خانواده باشد.

نتایج پژوهش حاضر، اهمیت نقش الگوهای ارتباطی خانواده و جو عاطفی خانواده مبدأ را در پایبندی و تعهد زناشویی فرزندان نشان می‌دهد و بیش‌ازپیش بر این واقعیت تأکید می‌کند که باید برای افزایش ثبات و پایداری در روابط زناشویی، افراد را از سال‌ها قبل از ازدواج، یعنی از زمانی که در خانواده‌های مبدأ و اصلی خود زندگی می‌کنند، آماده ساخت و همین‌طور با ایجاد شرایط لازم و بالا بردن کیفیت زندگی‌ها، سطح بلوغ عاطفی مناسبی را در فرزندان ایجاد کرد. پیشنهاد می‌شود مشاوران خانواده به‌خصوص درمان‌گران خانواده با رویکرد سیستمی، در مسیر بهبود الگوهای ارتباطی خانواده‌ها و همین‌طور اصلاح جو عاطفی خانواده‌های مبدأ در مسیر افزایش سطح بلوغ عاطفی و تمایز یافتگی مناسب فرزندان حرکت کنند. در ضمن، برای تعمیم بهتر نتایج، شایسته است که پژوهش‌هایی در همین راستا، با تعداد افراد نمونه بالاتر صورت گیرد.

اولین محدودیت پژوهش حاضر مربوط به روش نمونه‌گیری در دسترس بود این روش نمونه‌گیری غیر تصادفی تعمیم‌پذیری نتایج را محدود می‌کند. لذا پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های بعدی جهت بالابردن تعمیم‌پذیری نتایج از روش‌های نمونه‌گیری تصادفی استفاده

1. Muraru & Turliuc
 2. Weiss
 3. Goldenberg & Goldenberg
 4. Haws & Mallinckrodt

پیش بینی تعهد زناشویی بر اساس الگوهای ارتباطی و جو عاطفی خانواده مبدأ با میانجی گری بلوغ عاطفی
predicting marital commitment based on communication patterns and emotional atmosphere of the family of origin with ...

شود. دومین محدودیت این بود که نمونه مورد پژوهش مربوط به یک شهر با فرهنگ تقریباً مشابه بود و همین امر نتایج را برای تعمیم به کل جامعه محدود می کرد. پیشنهاد می شود جهت افزایش محدوده تعمیم پذیری یافته ها، این پژوهش در نمونه ی وسیع تر و جوامع دیگر با گروه های فرهنگی و قومی مختلف نیز تکرار شود تا تناسب مدل ارائه شده مورد بررسی بیشتر قرار گیرد.

منابع

- آشته، ک. و کرمی، ج. (۱۳۹۷). پیش بینی نگرش به ازدواج از طریق ویژگی های شخصیتی، سبک های دل بستگی و عاطفی خانوادگی در دانشجویان دختر مجرد دانشگاه رازی کرمانشاه، *رویش روان شناسی*، ۱۱(۱)، ۳۷۴-۳۵۵. <http://dorl.net/dor/20.1001.1.2383353.1397.7.11.2.1>
- ابراهیمی، ل. و حیدری، ر. (۱۳۹۷). پیش بینی گرایش به طلاق عاطفی بر اساس ویژگی های شخصیتی، باورهای فراشناختی و بلوغ عاطفی زوجین، *پژوهش های مشاوره (تازه ها و پژوهش های مشاوره)*، ۱۹(۷۴)، ۷۴-۳۶. <http://dx.doi.org/10.29252/jcr.19.74.36>
- احمدی، ل؛ پناغی، ل. و صادقی، م. (۱۳۹۷). رابطه خودمختاری و صمیمیت خانواده مبدأ با سازگاری زناشویی: نقش عوامل شخصیتی. *فصلنامه خانواده پژوهشی*، ۱۴ (۵۳)، ۵۶-۳۹. https://jfr.sbu.ac.ir/article_97626.html
- بلیاد، م. ر؛ ناهیدپور، ف؛ آزادی، ش. و یادگاری، ه. (۱۳۹۳). نقش خانواده اصلی در تمایز خود و تعارضات زناشویی. *نشریه روان پرستاری*، ۲(۲)، ۹۱-۸۱. <http://ijpn.ir/article-1-337-fa.html>
- بذرگر، س. و هنر پروران، ن. (۱۳۹۸). مقایسه بلوغ عاطفی در افراد دارای گرایش به خیانت و افراد عادی. *پیشرفت های نوین در علوم رفتاری*، ۴(۴۰)، ۲۵-۱۷. <http://ijndibs.com/article-1-390-fa.html>
- تقوایی یزدی، م. (۱۴۰۱). پیش بینی رابطه الگوهای ارتباطی خانواده و پرخاشگری با نقش هوش هیجانی در دانش آموزان. *فصلنامه مهارت های روان شناسی تربیتی*، ۲(۱۳)، ۱۶-۱. https://psyedu.tonekabon.iau.ir/article_698817.html
- تقی یار، ز؛ پهلوان زاده، ف. و رفاهی، ژ. (۱۳۹۷). مدل معادلات ساختاری تعهد زناشویی و سبک های عشق ورزی با صمیمیت زناشویی با توجه به نقش میانجی رضایت جنسی، زن و مطالعات خانواده، ۱۱(۴۲)، ۹۱-۱۰۴. https://jwsf.tabriz.iau.ir/article_667508.html
- جلالی شاه کوه، س؛ مظاهری، م. ع؛ کیامنش، ع. و احدی، ج. (۱۳۹۶). تدوین بسته آموزشی غنی سازی زندگی زناشویی بر اساس رویکرد هیجان مدار و بررسی اثربخشی آن بر سازگاری زناشویی زوجین تازه ازدواج کرده، *مجله اصول بهداشت روان*، ویژه نامه سومین کنفرانس بین المللی نوآوری های اخیر در روان شناسی، مشاوره و علوم رفتاری، ۳، ۱۵۵-۱۶۱. <https://doi.org/10.22038/jfmh.2017.8903>
- جعفری هرندی، ر. و رجایی موسوی، س. ف. (۱۳۹۸). پیش بینی بلوغ عاطفی بر اساس جو عاطفی خانواده و میزان مذهبی بودن والدین در دانش آموزان دختر، *مجله مطالعات روان شناسی تربیتی*، ۱۶(۳۴)، ۲۶-۱. <https://doi.org/10.22111/jeps.2019.4730>
- جعفری صحرارودی، م. (۱۳۹۹). رابطه الگوهای ارتباطی خانواده با سازگاری و شادکامی، *پیشرفت های نوین در روان شناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش*، ۳(۲۴)، ۱۵۹-۱۴۵. <https://jonapte.ir/fa/showart-d3f1f8e1a8ee83207e917866d3b4928b>
- حقیقی، ج؛ شکرکن، ح. و موسوی شوشتری، م. (۱۳۸۱). بررسی رابطه جو عاطفی خانواده با سازگاری دانش آموزان دختر پایه سوم مدارس راهنمایی اهواز، *مجله علوم تربیتی و روان شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز*، ۳(۱-۲)، ۱۰۸-۷۹. <https://www.sid.ir/paper/8828/fa>
- رشیدی، ع؛ شریفی، ک. و نقشینه، ط. (۱۳۹۵). رابطه بین الگوهای ارتباطی خانواده و تمایز یافتگی خود با کیفیت زندگی زنان متقاضی طلاق در کرمانشاه، *آسیب شناسی، مشاوره و غنی سازی خانواده*، ۲(۱)، ۷۸-۶۶. <http://ensani.ir/file/download/article/20170219063700-10101-20.pdf>
- حلاجیان، ز؛ باباخانی، و؛ پویامنش، ج. و جعفری، ع. (۱۴۰۱). مقایسه اثربخشی زوج درمانگری مبتنی بر پذیرش و تعهد و زوج درمانگری مبتنی بر شیوه گاتمن بر تعهد زوجی. *فصلنامه علمی پژوهشی علوم روان شناختی*، ۲۱ (۱۱۵)، ۱۴۸۵-۱۵۰۱. <http://dx.doi.org/10.52547/JPS.21.115.1485>
- زارعی، س. و معصومی، ت. (۱۳۹۶). نقش واسطه ای هوش هیجانی در رابطه جو عاطفی خانواده با انگیزش پیشرفت، *مجله روان شناسی و روان پزشکی شناخت*، ۴(۴-۱۵)، ۶۸-۵۷. <http://ensani.ir/file/download/article/1543839154-10169-113.pdf>
- صالحی، ح؛ مرادی، ا؛ عارفی، م. و یاراحمدی، ی. (۱۳۹۹). نقش واسطه ای الگوهای ارتباطی در رابطه بین تمایز یافتگی خود و رضایت جنسی زوجین. *مجله روان پزشکی و روان شناسی بالینی ایران*، ۲۶ (۲)، ۱۵۴-۱۶۹. <http://dx.doi.org/10.32598/ijpcp.26.2.3099.1>
- طاهری بخش، ن. (۱۳۹۵). بررسی رابطه سلامت خانواده اصلی با سازگاری زناشویی در زوجین شهر تهران. *پیشرفت های نوین در علوم رفتاری*، ۱(۲)، ۱-۱۲. <http://ijndibs.com/article-1-30-fa.html>
- رضی، ا. و اسدی مجره، س. (۱۴۰۱). رابطه بین الگوهای ارتباطی و جو عاطفی خانواده با سرزندگی تحصیلی دانش آموزان: نقش میانجی تاب آوری، *پژوهش های نوین روان شناختی*، ۶۷، ۱۳۶-۱۲۸. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.27173852.1401.17.67.18.0>

- رسایی، س. و عروتنی موفق، ل. (۱۴۰۰). پیش‌بینی رضایت زناشویی و تاب‌آوری بر اساس سبک دل‌بستگی در دانشجویان متأهل، *فصلنامه روان‌شناختی تحلیلی-شناختی*، ۱۲(۴۴)، ۷۱-۸۱. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.28222476.1400.12.44.7.4>
- سراج خرمی، ن. و صفرزاده، س. (۱۳۹۱). مقایسه ویژگی‌های روان‌شناختی، جو عاطفی خانواده و اندیشه پردازی خودکشی بین دختران فراری و عادی شهر اهواز. یافته‌های نو در روان‌شناسی (روان‌شناسی اجتماعی)، ۷(۲۳)، ۱۲۹-۱۴۸. <https://sid.ir/paper/175051/fa>
- شاهمرادی، س؛ آقابابایی، ر. و حبیبی، ز. (۱۴۰۰). رابطه الگوهای ارتباطی و جو عاطفی خانواده مبدأ با نگرش به ازدواج: نقش واسطه‌ای تمایز یافتگی، *فصلنامه پژوهش‌های کاربردی روان‌شناختی*، ۱۲(۳)، ۲۸۹-۳۰۵. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.22518126.1400.12.3.14.9>
- شهرکی ثانوی، ف؛ نویدیان، ع؛ انصاری مقدم، ع. ر. و فرجی شوی، م. (۱۳۹۰). بررسی رابطه الگوهای ارتباطی خانواده بر کیفیت زندگی نوجوانان. مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۱۱(۱)، ۱۰۱-۱۱۴. <https://sid.ir/paper/201746/fa>
- عسگری، س؛ رشیدی، ع؛ نقشینه، ط. و شریفی، س. (۱۳۹۴). رابطه الگوهای ارتباطی خانواده و تمایز یافتگی خود با کیفیت زندگی زنان متقاضی طلاق. *رویش روان‌شناسی*، ۴(۲)، ۸۷-۱۱۲. <http://dorl.net/dor/20.1001.1.2383353.1394.4.2.5.5>
- کوروش نیا، م. و لطیفیان، م. (۱۳۸۶). بررسی روایی و پایایی ابزار تجدیدنظر شده الگوهای ارتباطات خانواده. *خانواده پژوهی*، ۴(۳)، ۸۷۵-۸۵۶. https://jfr.sbu.ac.ir/article_95009.html
- کردی، م. اصلانی، خ. و امان‌الهی، ع. (۱۳۹۶). صمیمیت جنسی و اعتماد به‌عنوان تعدیل‌کننده‌های رابطه سبک دل‌بستگی ایمن و تعهد زناشویی، *فصلنامه روان‌شناسی کاربردی*، ۱۱(۴)، ۳۳۳-۳۵۱. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.20084331.1396.11.4.2.5>
- گلدنبرگ، ا. و گلدنبرگ، ه. (۱۳۸۸). خانواده‌درمانی، ترجمه حمیدرضا حسین شاهی بروانی و سیامک نقشبندی (۲۰۰۸)، تهران، نشر روان. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.28222476.1400.12.44.7.4>
- مجتهدی، م. و عاشوری، ج. (۱۳۹۴). نقش صفات شخصیت و الگوهای ارتباطی خانواده در پیش‌بینی کیفیت زندگی پرستاران بیمارستان‌های شهید مفتاح و پانزده خرداد شهر ورامین در سال ۱۳۹۴، *مجله علمی پژوهان*، ۱۴(۳)، ۲۰-۲۹. <https://www.sid.ir/paper/252923/fa>
- محمدی، ب؛ زهراکار، ک؛ داورنیا، ر. و شاکرمی، م. (۱۳۹۳). بررسی نقش دین‌داری و ابعاد آن در پیش‌بینی تعهد زناشویی کارکنان سازمان بهزیستی خراسان شمالی. *مجله دین و سلامت*، ۲(۱)، ۲۳-۱۵. <http://jrh.mazums.ac.ir/article-1-102-fa.html>
- منتظری، ر. (۱۴۰۱). نقش خانواده‌های زوجین در سازگاری، ثبات و رضایت زناشویی همسران: یک مطالعه موردی، *مجله رویش روان‌شناسی*، ۱۱(۱)، ۱۹۹-۲۱۰. <http://frooyesh.ir/article-1-3296-fa.html>
- محبی نورالدین وند، م. ح. مشتاقی، س. و شهبازی، م. (۱۳۹۰). رابطه بین جو عاطفی خانواده با رشد مهارت‌های اجتماعی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پسر و دختر پایه‌های چهارم و پنجم ابتدایی شهرستان مسجدسلیمان. پژوهش در برنامه‌ریزی درسی (دانش و پژوهش در علوم تربیتی-برنامه ریزی درسی)، ۸(۳۰)، ۸۴-۹۳. <https://www.sid.ir/paper/127292/fa>
- نریمانی، م؛ رحیمی، س. و صداقت، م. (۱۴۰۰). پیش‌بینی طلاق عاطفی زوجین بر اساس الگوهای ارتباطی خانواده و ساختار انگیزشی. *دوفصلنامه روان‌شناسی خانواده*، ۲(۵)، ۲۷-۳۸. https://www.ijfpjournal.ir/article_245543.html?lang=en
- Aman, J., Abbas, J., Lela, U., & Shi, G. (2021). Religious Affiliation, Daily Spirituals, and Private Religious Factors Promote Marital Commitment Among Married Couples: Does Religiosity Help People Amid the COVID-19 Crisis?, *Frontiers in psychology*, 12. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2021.657400>
- Baxter, L. A., Bylund, C. L., Imes, R. S., & Scheive, D. M. (2005). Family communication environments and rule-based social control of adolescents' healthy lifestyle choices. *Journal of Family Communication*, 5(3):209-227. https://doi.org/10.1207/s15327698jfc0503_3
- Bastaitis, K., Pasteels, I., Mortelmans, D. (2018). How do post-divorce paternal and maternal family trajectories relate to adolescents' subjective well-being? *Journal of Adolescence*, 64, 98-108. <https://doi.org/10.1016/j.adolescence.2018.02.005>
- Carey, K. M. (2006). Effects of childhood family environment on marital attitudes. A thesis for the degree of Master of Art in Counseling, Division of Education. *Truman State University*, Kirksville, Missouri United States. <https://search.proquest.com/openview/c3bfe1ce58ecec601098eea5747c3b5c/1?pq-origsite=gscholar&cbl=18750&diss=y>
- Cohen, T. F., & Strong, B. (2020). The marriage and family experience: Intimate relationships in a changing society. Cengage learning. <https://www.amazon.com/Marriage-Family-Experience-Intimate-Relationships/dp/0357378229>
- Clyde, T. L., Hawkins, A. J., & Willoughby B. J. (2020). Revising premarital relationship interventions for the next generation. *Journal of Marital and Family Therapy*; 46(1): 149-164. D <https://doi.org/10.1111/jmft.12378>
- Davies, P. T., & Lindsay, L. L. (2004). Interparental conflict and adolescent adjustment: Why does gender moderate early adolescent vulnerability? *Journal of Family Psychology*. 18(1), 160-170. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1037/0893-3200.18.1.160>
- Falcke, D., Wagner, A., & Mosmann, C. P. (2008). the Relationship between Family-of-Origin and Marital Adjustment for Couples in Brazil, *Journal of Family Psychotherapy*, 19(2), 170-186. <https://doi.org/10.1080/08975350801905020>
- Fitzpatrick, M. A., & Koerner, A. F. (2004). Family communication schema effect on children's resiliency running head: family communication schemata, The evolution of key mass communication concepts: *Honoring Jack M. McLeod*, 115-139. <https://experts.umn.edu/en/publications/family-communication-schemata-effects-on-childrens-resiliency-hon>

predicting marital commitment based on communication patterns and emotional atmosphere of the family of origin with ...

- Fuchs, R., Glaude, M., Hansel, T., Osofsky, J., & Osofsky, H. (2021). Adolescent risk substance use behavior, posttraumatic stress, depression, and resilience: Innovative considerations for disaster recovery. *Subst Abus.* 42(3):358-365. <https://doi.org/10.1080/08897077.2020.1784357>
- Garver, M. S., & Mentzer, J. T. (1999). Logistics research methods: employing structural equation modeling to test for construct validity. *Journal of business logistics* , 20(1), 33-41. [10.1016/j.jhtm.2018.03.002](https://doi.org/10.1016/j.jhtm.2018.03.002)
- Ghasemi Varniab, B., Rahmani, M. A., Zarbakhsh Bahri, M. R., & Abolghasemi, S. H. (2020). Presenting a Structural model of Marital Commitment based on Emotional Maturity Mediating role of Intimacy and Interpersonal Cognitive Distortions, *Journal of Islamic Life Style Centered on Health*, 4(1): 124-133. <http://islamiclifej.com/article-1-711-en.pdf>
- Hou, Y., Jiang, F., & Wang, X. (2019). Marital commitment, communication and marital satisfaction: An analysis based on actor-partner interdependence model. *International Journal of Psychology*, 54(3), 369-376. <https://doi.org/10.1002/ijop.12473>
- Haws, W. A., & Mallinckrodt, B. (1998). Separation individuation from family of origin and marital adjustment of recently married couples. *Am J Fam Ther.* 26(4), 293 -306. <https://doi.org/10.1080/01926189808251108>
- John, N. A., Seme, A., Roro, M. A., & Tsui, A.O. (2017). Understanding the meaning of marital relationship quality among couples in peri-urban Ethiopia. *Cult Health Sex.*19(2):267-278. <https://doi.org/10.1080/13691058.2016.1215526>
- Juhari, R., Yaacob, S. N., Arif, N. A. M., & Sabri, M. F. (2019). Marital Commitment as a Function of Marital Satisfaction, Marital Investment and Marital Alternatives among Working Women in Malaysia. Towards a Safer World: *Addressing the Dynamics of Human Ecological Challenges*, 61. <http://psasir.upm.edu.my/id/eprint/70567/1/05%20JSSH%28S%29-0962-2018.pdf>
- Koerner, A. F., & Eis, K. M. (2001). The Influence of Conformity Orientation on Communication Patterns in Family Conversations, *Journal of Family Communication*, 2(3), 133-152. https://doi.org/10.1207/S15327698JFC0203_2
- Koerner, A. F., & Fitzpatrick, M. A. (2002). you never leave your family in a fight: The impact of families of origins on conflict-behavior in romantic relationships. *Communication Studies*, 53: 234-51. <https://doi.org/10.1080/10510970209388588>
- Lioe, A. L. (2023). The Role of Marital Commitment and Family Support For Marital Satisfaction In Childless Couples. *Journal Eduvest.* 3(1): 1-9. <https://doi.org/10.36418/eduvest.v3i1.712>
- Maskarin, A. S., Conger, R. D., Martin, M. J., Donnellan, M. B., Masyn, K. E., & Lorenz, F. O. (2013). Romantic relationship in early adulthood: Influences of family, personality, and relationship cognitions. *Personal Relationships*, 20(2), 356 - 373. <https://doi.org/10.1111/j.1475-6811.2012.01416.x>
- Muraru, A., A., & Turliuc, M. (2012). Family -of-origin, romantic attachment, and marital adjustment: a path analysis model. *Procedia -Social and Behavioral Sciences*, 33. PP.90 -94. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2012.01.089>
- Negi, K. N., Rajkumari, Y., & Rana., M. (2022). A deep dive into metacognition: Insightful tool for moral reasoning and emotional maturity, *Neuroscience Informatics*, 2(4), <https://doi.org/10.1016/j.neuri.2022.100096>.
- Reblin, M., & Uchino, B. N. (2008). Social and emotional support and its implication for health. *Current Opinion in Psychiatry*. 21(2), 201-205. <https://doi.org/10.1097%2FYCO.0b013e3282f3ad89>
- Rafeedali, E. (2017). Influence of self concept and emotional maturity on leadership. Behavior of secondary schools Heads in Kerala, India. *European Journal of Education Studies*, 8(11), 11-19. <http://dx.doi.org/10.46827/ejes.v0i0.434>
- Roberson, P. N. E., Lenger, K. A., Gray, T., Cordova, J., & Gordon, K. C. (2020). Are marital relationships a barrier to health care utilization in Southern Appalachia?, A dyadic examination of the link between marital quality and individual *Families, Systems, & Health health care usage.*, 38 (3), 265–277. <https://doi.org/10.1177/009365090017004007>
- Roper, S. W., Fife, S. T., & Seedall, R. B. (2020). The intergenerational effects of parental divorce on young adult relationships. *Journal of Divorce & Remarriage*, 61(4), 249–266. <https://doi.org/10.1080/10502556.2019.1699372>
- Solomon., B., C., & Jackson., J. J. (2014). Why do personality traits predict divorce? Multiple pathways through satisfaction. *Journal of personality and Social Psychology*, 106(6), 978 -996. <https://psycnet.apa.org/record/2014-19904-008>
- Shahraki Sanavi, F., Navidian, A., Ansari Moghaddam, A. R., & Faraji Shovey, M. (2011). Investigation the relationship of family communication patterns in quality of life among adolescents. *Journal of Family Counselor Psychiatry*, 1(1):101-114. <https://www.sid.ir/paper/201746/en>
- Sohrabzadeh, F., & Hakim Javadi, M. (2021). Relationship between Emotional and Social Maturity Problems in Adolescents with Depression and Social Anxiety Disorder. *Scientific Journal of Nursing, Midwifery and Paramedical Faculty*, 6(3): 58-67. <https://sjnmp.muk.ac.ir/article-1-352-en.pdf>
- Weiss, J. M. (2014). Marital Preparation, Experiences, and Personal Qualities in a Qualitative Study of Individuals in Great Marriage, Master thesis, *Psychology Department, Utah State University.* <https://digitalcommons.usu.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=3129&context=etd>